فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc429919381)

[خطبه اول نهج‌البلاغه 2](#_Toc429919382)

[بادها و آثار آن در زندگی بشر 2](#_Toc429919383)

[نحوه ایجاد کوه‌ها 3](#_Toc429919384)

[فواید کوه‌ها 3](#_Toc429919385)

[معرفی شرح‌های مختلف نهج‌البلاغه 4](#_Toc429919386)

[معرفت اجمالی به خداوند 4](#_Toc429919387)

[دو نوع تقوا 4](#_Toc429919388)

[فطری بودن معرفت اولیه 5](#_Toc429919389)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه»[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# خطبه اول نهج‌البلاغه

**در خطبه اول نهج‌البلاغه امام علی به مواردی اشاره می‌کنند، ازجمله:**

**-عجز انسان از شکر و ستایش خداوند: قوای فکری و عملی ما از حق معرفت خدا و ادای شکر نعم الهی ناتوان و عاجز است.**

**-ناتوانی و عجز ما نسبت به حمد و سپاس خدا به بی‌نهایت بودن خداوند برمی‌گردد: چراکه خداوند وجود کاملی است که به دلیل عظمت بی‌پایان او عقل و رفتار و عمل ما از ادای حق او عاجز است.**

**-امام علی در این خطبه به خلقت عالم اشاره دارند: خداوند این عالم را از عدم آفرید که همانا خلقت بی‌مقدمه است.**

**-در میان علائم خلقت خداوند، امام علی (ع) به صفات خداوند اشاره می‌کنند.** «وَ نَشَرَ الرِّیاحَ بِرَحْمَتِهِ وَ وَتَّدَ بِالصُّخُورِ مَیدَانَ أَرْضِه»[[3]](#footnote-3)خداوند از سر رحمت خود و به‌عنوان مژده، بادها را خلق کرد و در عالم پراکند و با کوه‌ها، لرزش و اضطراب زمین را آرام کرد. از میان نشانه‌های خداوند به دو نشانه و صفت توجه می‌شود. یکی وزش بادها و دیگری خلقت کوه‌های بزرگ در زمین.

# بادها و آثار آن در زندگی بشر

خلقت بادها و آثار آن بر زندگی انسان هم در علم موردتوجه است و هم در این خطبه به آن شاره شده است. بادها درحرکت ابرها و ایجاد باران و پس‌ازآن در زنده کردن زمین و رشد گیاهان و سلامت هوا نقش مهمی ایفا می‌کند.

# نحوه ایجاد کوه‌ها

خداوند با کوه‌ها و قله‌های بلند زمین را آرام کرد. در قران کریم و در نهج‌البلاغه در مورد کوه‌ها به‌عنوان یکی از مظاهر خلقت و پدیده‌ای که در آرامش زمین، بارش باران و ذخیره شدن معادن نقش مهمی دارد، مطالب زیادی بیان‌شده است. علم امروز نحوه ایجاد کوه‌ها را کشف کرده است که از قرار گرفتن لایه‌های زمین‌بر روی یکدیگر تشکیل می‌شود، یا لغزیدن لایه‌ها باعث زلزله می‌شود که این نیز کوه‌ها را تشکیل می‌دهد، همچنین طوفان نیز در ایجاد کوه‌ها نقش به سزایی دارند. این امر صحه‌ای است بر آنچه در قرآن و نهج‌البلاغه بیان‌شده است.

# فواید کوه‌ها

آثار کوه‌ها در آرامش انسان هم در علم ثابت‌شده است و هم در متون دینی ما نیز به آن اشاره اکید شده است. کوه‌ها در گردش صحیح زمین و ممانعت از اضطراب و زلزله‌ها تأثیر دارد**، «مَیدَانَ أَرْضِه»[[4]](#footnote-4)** میدان یعنی اضطراب. کوه‌ها خود از همین اضطراب زمین پدید می‌آیند اما در آرامش آن نیز تأثیر دارند. در مورد آثار کوه در نهج‌البلاغه موارد بسیاری ذکرشده است. یکی از آثار دیگر کوه این است که موجب باران می‌شوند. کوه‌ها در جذب و بارور شدن ابرها تأثیر دارند و جلوی وزش باد و فرسایش خاک را می‌گیرد. در این خطبه ورزش باد و ایجاد آرامش توسط کوه کنار هم ذکرشده است، چراکه این دو در بارش باران مکمل یکدیگرند. اگر کوه‌ها نبودند و بادها می‌وزیدند، زمین‌ها از بین می‌رفت و هم بارش باران، نظم درستی نداشت. اثر بعدی کوه‌ها ذخیره کردن باران در درون خودش است که در فصل‌های دیگر برای آباد کردن مزارع استفاده شود. تمدن‌های بزرگ وزندگی‌های گسترده بشر معمولاً در سواحل و دامنه دشت‌هایی که در دامنه کوه‌ها قرارگرفته‌اند، شکل می‌گیرد. کوه‌های بزرگ نقش مادری برای دشت‌هایی دارند که در کنارشان قرار دارند، رشته‌کوه‌ها هم معمولاً همین نقش رادارند، ابر را جذب می‌کنند، باران را در خود ذخیره می‌کنند، هوا را معتدل می‌کنند، بادها را کنترل می‌کند و این عوامل باعث می‌شود که کوه‌ها نقش مادری داشته باشند، از همین جهت بسیاری از تمدن‌های بزرگ و پیشرفته در دامنه این کوه‌ها شکل‌گرفته است. عمده معادن یکی از عناصر مهم زندگی بشر است که درصد بالایی از آن به کوه‌ها وابسته است.

بعدازاین بیانات امام علی (ع) به عمق مسئله توحید بازمی‌گردند و مطالبی را در سطح بالایی بیان می‌کنند که بیان خواهد شد.

# معرفی شرح‌های مختلف نهج‌البلاغه

**«اوّل الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ وَ کمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِیقُ بِهِ وَ کمَالُ تَصْدِیقِهِ تَوْحِیدُهُ وَ کمَالُ تَوْحِیدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ کمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْی الصِّفَاتِ عَنْهُ»[[5]](#footnote-5)** در معنی این جملات و تفسیر آن در شرح‌های مختلف نهج‌البلاغه، اختلاف‌نظر وجود دارد. یکی از آن‌ها شرح ابن ابی الحدید که است که یک عالم سنی مذهب منصف می‌باشد و نهج‌البلاغه را در بیست جلد شرح داده است. شرح ابن ابی الحدید به فارسی نیز ترجمه‌شده و در مقدمه این کتاب سخنانی زیبایی در فضایل امیرالمؤمنین (ع) بیان کرده است. مرحوم علامه شوشتری از علمای معاصر بوده و در شوشتر زندگی می‌کردند. ایشان نیز شرحی دارند به نام بهج الصباغه که در حدود بیست جلد است و هنوز به چاپ نرسیده است.

آنچه ما در این مطلب باکمی تغییر استفاده می‌کنیم، که قابل‌قبول‌تر است شرح ابن ابی الحدید است.

# معرفت اجمالی به خداوند

**«أَوَّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ»** آغاز دین شناخت خداست. مرز تدین از غیر تدین در اعتقاد به یک خالقی ماوراء عالم ماده است. این عالم از یک منبع قدسی نشأت‌گرفته است. اولین چیزی که ما را از کافران جدا می‌کند اعتقاد به وجود خداوند است. این معرفت، معرفت کامل نیست بلکه معرفت اولیه و اجمالی است. معرفت اولیه یعنی همان‌که در فطرت ماست. فطری بودن خداشناسی آن چیزی نیست که در قران و دین به‌صورت جزئی بیان‌شده است. این نظر ابن ابی الحدید است، اما علامه شوشتری این معرفت را معرفت کامل می‌داند.

# دو نوع تقوا

آقای طباطبایی تقوا را به دو گونه می‌دانند. یک تقوای عالی وجود دارد که رجال برجسته و نام‌آور دین‌دارند و یک تقوا، فطری است. در این نوع تقوا عقل می‌داند که باید به خدا توجه داشته باشد. نباید خیانت کرد، باید احترام دیگران را حفظ کرد و نکات این‌چنینی که رعایت آن‌ها لازمه تقوای فطری است. اگر کمی بیندیشیم می‌بینیم که بر عالم اراده‌ای دیگر حاکم است. باید اجازه دهیم این فطرت شکوفا شود، موانع شکوفای آن را از خود دور کنیم.

# فطری بودن معرفت اولیه

پایه اول دین ورزی، در فطرت انسان است**. «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»[[6]](#footnote-6)** این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. حجت باطن و هدایتگری که خداوند در جان و قلب انسان نهاده، همان نقطه شروع دین است.

1. . سوره اعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص 39 [↑](#footnote-ref-3)
4. **.** نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص 39 [↑](#footnote-ref-4)
5. **.** نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص 39 [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره الروم، آیه 3 [↑](#footnote-ref-6)